

سحر و جادو از منظر فقه اسلامی و مقررات کیفری ایران

✉ barghi@meybod.ac.ir

محمد مهدی برغی

استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران

حمیدرضا استکی اورگانی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران

چکیده: سحر مضر به انسان یا اسلام در دین اسلام از زمره جرایم و مستوجب مجازات دانسته شده است. بنابراین در قوانین کیفری ایران نیز که برگرفته از شریعت مقدس اسلام است، باید برای مرتکب سحر مجازات تعیین نمود. پرسشی که مطرح می‌شود آن است که سحر در اسلام جزء جرایم حدی محسوب می‌شود یا تعزیری و مجازات سحر در اسلام چیست؟ در مقررات کیفری ایران مرتکب سحر را براساس کدام مواد قانونی می‌توان مجازات نمود؟ یافته‌های پژوهش حاضر که با روش تحلیل متن و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته، نشان می‌دهد به اجماع فقهای شیعه مجازات سحر در دو مورد یعنی زمانی که بر عمل سحر کفر صدق کند یا سحر مستحل سحر باشد، اعدام است و در غیر این دو مورد طبق نظر اکثریت فقها مجازات سحر اعدام است. همچنین سحر غیرمسلمان مشمول مجازات تعزیری است مگر جرم حدی بر عمل او صدق کند. در قوانین کیفری ایران گرچه ارتکاب سحر صراحتاً جزء جرایم حدی دارای مجازات مشخص ذکر نشده است، اما براساس ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌توان با مراجعه به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر سحر را مجازات نمود.

واژگان کلیدی: مسلمان، سحر، سحر، فقه، قوانین کیفری، حد، تعزیر

استناد: برغی، محمد مهدی؛ استکی اورگانی، حمیدرضا. (۱۴۰۴). سحر و جادو از منظر فقه اسلامی و مقررات کیفری ایران. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۰ (۱۱۱)، ۲۳-۴۳.

<https://doi.org/10.22034/jlvi.2025.2019530.1118>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

انسان‌ها از زمانی که زندگی آن‌ها به صورت غارنشینی بوده، به جادوگری، ساحری و افسون‌خوانی اشتغال داشته و دارند، به گونه‌ای که می‌توان گفت یکی از گرفتاری‌های بد، صدمه زدن به انسان‌ها توسط جادوگری و افسون‌خوانی از دیرباز تاکنون بوده است.^۱ با ظهور ادیان ابتدایی و توحیدی، این ادیان به دلیل مضرات و صدمات ناحق و ظالمانه و برخلاف عقل جادوگری و سحر در شئون فردی و خانوادگی و اجتماعی، سحر و ساحری را ممنوع کردند (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۶: ۲۴۹). با این وجود باز هم گرایش به سمت سحر و جادو و طلسمات به منظور صدمه زدن به دیگران رواج داشته است (آزادگان، ۱۳۸۷: ۶). از همین رو ادیان به منظور جلوگیری از ایراد این آسیب‌های ناروا برای ساحر و جادوگر کیفر و مجازات تعیین نمودند.

از جمله در دین اسلام سحر و جادو از زمره جرایم و مستوجب مجازات دانسته شده است (خویی، ۱۳۹۳: ۱۲۷ و ۱۲۸). به نظر بعضی فقها، تعیین مجازات سنگین و عادلانه برای سحر و جادو به این خاطر است که به دلیل شباهت ظاهری که کارهای خارق‌العاده ساحران با معجزات انبیاء داشت، آن‌ها به مقابله و جبهه‌گیری در مقابل انبیاء برآمده و مردم را از مسیر ایمان منحرف می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ [ب/۱۰: ۱۸۰]). با این وجود به نظر می‌رسد این بیان ناظر بر علت تشریح مجازات برای ساحر باشد، زیرا وجه تمایز انبیاء با دیگران، وحی و اتصال با پروردگار بوده و آن چیزی که به مردم اطمینان خاطر می‌داد که مدعیان نبوت در گفتار خویش مبنی بر داشتن مأموریت از جانب پروردگار صادق هستند، ارائه معجزه بود. معجزه نیز به معنی امر خارق عادت است. در این میان عده‌ای ساحر و جادوگر با سوءاستفاده از احساسات پاک افراد جهت حل گرفتاری آن‌ها و کسب درآمد از این طریق، به دلیل داشتن مهارت و توانایی در ارائه امور خارق عادت یا ظاهرسازی مبنی بر داشتن این توانایی، در صدد گمراهی مردم، آسیب زدن به ایشان و سودجویی از آن‌ها برآمدند و به همین علت شارع مقدس در راستای حمایت از حقوق مردم و جلوگیری از سوءاستفاده و آسیب به ایشان اقدام به تشریح مجازات برای مرتکبان چنین اعمالی کرد که با قصد و سوءنیت اقدام به ارتکاب سحر و گمراه نمودن مردم می‌کردند، اما چنانچه بخواهیم حکمت تشریح مجازات را برای ساحر بررسی کنیم می‌توانیم به این نکته اشاره کنیم که به دلیل پیامدهای منفی گوناگون جادوگری و سحر در شئون مختلف فردی و خانوادگی و اجتماعی در اسلام از یادگیری سحر و جادوگری و انجام دادن اعمال سحر و جادوگری به شدت منع شده و از نظر تمام فقهای اسلام، یاد گرفتن و انجام اعمال

۱. یکی از مستشرقین پیرامون ریشه و منشأ سحر چنین آورده که: «به نظر می‌رسد که این واژه از منطقه بین‌النهرین - که همیشه از نظر اعراب مرکز و سرزمین جادو و جادوگری بوده - وارد زبان عربی شده است.» (جفری، ۱۳۸۵: ۲۵۳).

سحر و جادوگری جز در مواردی که فرد با یادگیری در پی ابطال سحر باشد، حرام دانسته شده است. در همه مذاهب سنی و شیعی اجماعی است که اگر بر عمل ساحر کفر صدق کند یا ساحر مستحل سحر باشد، مجازاتش اعدام است. در غیر این دو مورد دیدگاه‌های متفاوتی در حد یا تعزیری بودن سحر و ساحری وجود دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۸۶). با این توضیح که مقصود از حد «عقوبتی است که شارع مقدس مقدار آن را معین کرده است» (فاضل مقداد، بی تا/۲: ۸۵۰). قانون‌گذار در ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف حد چنین آورده که: «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است.» در حالی که میزان تعزیر توسط شارع مقدس تعیین نشده و به اختیار حاکم واگذار شده است (سیاه‌پور و دیگران، ۱۴۰۳: ۲۲). ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی در تعریف تعزیر چنین آورده است که: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. ...» در این میان قوانین کیفری ایران که برگرفته از دین مقدس اسلام می‌باشند، از این اختلاف‌نظرها تأثیر پذیرفته و در رابطه با کیفر ساحر و جادوگر رویکردهای متفاوتی را در پیش گرفته‌اند.

با این توصیف پژوهش حاضر بر آن است که به این پرسش‌ها پاسخ دهد که مفهوم سحر و جادو چیست و اقسام سحر و جادو کدامند؟ سحر و جادو از نظر فقهای شیعه و اهل سنت جزء جرایم حدی است یا تعزیری و اسلام مجازات ساحر و جادوگر را چه می‌داند؟ در مقررات کیفری ایران برای ارتکاب سحر و جادو چه مجازاتی در نظر گرفته شده است؟ در جهت پاسخ به این سؤالات ابتدا به مفهوم‌شناسی سحر و جادو می‌پردازیم. سپس ضمن بررسی امکان تحقق سحر و جادو در عالم واقع، اقسام سحر را از نظر خواهیم گذرانند. آن‌گاه به تبیین کیفر سحر و جادو از دیدگاه فقهای شیعه و اهل سنت پرداخته و در انتها موضع قوانین کیفری ایران را در مواجهه با ساحر و جادوگر مورد بررسی قرار خواهیم داد. پژوهش پیش رو توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات در آن به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

بررسی سوابق و مرور ادبیات این پژوهش نشان می‌دهد که آقای رضا رمضان نرگسی در مقاله‌ای با عنوان «سحر و جادو از دیدگاه علم و دین» که در سال ۱۳۷۹ در مجله معرفت به چاپ رسیده است، به بررسی امکان یا عدم امکان تحقق سحر و جادو در عالم واقع از نگاه علم و دین پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در دین اسلام با توجه به آیات و روایات موجود، نظر مشهور فقها بر امکان تحقق سحر و جادو در عالم واقع است. همچنین در مقاله‌ای با عنوان «سحر و جادو و راه‌های

ابطال آن از دیدگاه فقه امامیه» نوشته لیلی صفایی و صدیقه اشرف که در مجله فقه و تاریخ تمدن در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است، نگارندگان احکام سحر و راه‌های ابطال آن را از نظر فقها، قرآن مجید و روایات مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که برخی از علما ابطال سحر را جایز می‌دانند. خانم شهربانو کاهدی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «سحر و شعبده در فقه با تأکید بر مصادیق نوظهور» که در سال ۱۳۹۶ در مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی به چاپ رسیده است، ضمن بررسی اقسام سحر و به صورت خاص مصادیق نوظهور آن، کوشیده‌اند فرهنگ سحر و شعبده را بررسی و جایگاه آن را در تمدن امروزی به نمایش گذارند. لازم به ذکر است در هیچ‌کدام از پژوهش‌های مذکور در فوق و نیز سایر پژوهش‌های مشابهی که در خصوص سحر و جادو انجام گرفته است، مسائلی از قبیل حدی یا تعزیری محسوب شدن سحر و جادو و کیفر ساحر و جادوگر از نظر اسلام مورد اشاره قرار نگرفته است. همچنین تاکنون پژوهشی راجع به موضع قوانین کیفری ایران در مورد مجازات ساحر و جادوگر انجام نگرفته است که در پژوهش حاضر به این موارد پرداخته خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی سحر و جادو

۱-۱. مفهوم سحر و جادو در آیات و روایات

با مراجعه به قرآن کریم ملاحظه می‌کنیم که واژه سحر و مشتقات آن حدود ۶۰ بار در قرآن کریم به کار برده شده است که این واژگان عمدتاً در دو محور استعمال شده است. در دسته اول چون آیات خدا و استدلال‌های حق خدا چنان جذاب و تأثیرگذار بود که مردم را فوراً مؤمن به خدا می‌کرد، لذا دشمنان می‌گفتند محمد (ص) این‌ها را سحر می‌کند. از جمله این آیات می‌توان به آیه ۷۶ سوره یونس اشاره کرد: «فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ: پس هنگامی که حق از نزد ما به سویشان آمد، گفتند: مسلماً این جادویی است آشکار». همچنین در آیه ۷ سوره هود آمده است: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ: و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، در حالی که همه موجودات آفرینش روی آب قرار داشت، تا شما را بیازماید که کدام‌یک نیکوکارترید؟ و اگر بگویید: شما یقیناً پس از مرگ برانگیخته می‌شوید، بی‌تردید کافران می‌گویند: این سخنان جز جادویی آشکار نیست».

دسته دوم آیاتی است که بیانگر مقابله حضرت موسی (ع) با ساحران زمان خویش است. از جمله زمانی که حضرت موسی (ع) برای دعوت فرعون به پرستش خدای یکتا به او مراجعه نمود، فرعون در پاسخ به این دعوت «گفت: ای موسی! آیا به سوی ما آمده‌ای تا ما را به وسیله جادویت از

سرزمینمان بیرون کنی؟» (طه: ۵۷) سپس بیان داشت: «قطعاً ما جادویی مانند آن برایت می‌آوریم، پس میان ما و خودت در جایی هموار و صاف که نه ما از آن تخلف کنیم و نه تو، وعده‌گاهی قرار ده» (طه: ۵۸). در واقع به دلیل شباهت ظاهری که معجزات حضرت موسی (ع) با افعال خارق عادت ساحران داشت، فرعون، حضرت موسی (ع) را ساحری مانند ساحران دیگر پنداشت و او را به مبارزه طلبید و از سرتاسر مصر ساحران را گرد هم آورد تا با موسی (ع) مقابله کنند. سپس جادوگران و ساحران، عصاها و ریسمان‌های خود را به زمین انداختند و چنین وانمود شد که آن‌ها حرکت می‌کنند: «قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى (طه: ۶۶): گفت: بلکه شما بیفکنید. پس ناگهان ریسمان‌ها و چوب‌دستی‌هایشان بر اثر جادویشان در خیال چنان وانمود شد که با سرعت به راه افتادند». پیروی سحر ساحران، خداوند به موسی (ع) امر کرد که عصای خود را به زمین بیندازد تا ساخته و سحر آن‌ها را از بین ببرد و ساحران با دیدن معجزه موسی (ع) دریافتند که این امری است الهی و به او ایمان آوردند: «وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ وَلَا يَفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى (طه: ۶۹): آن‌چه را در دست راست داری بیفکن تا همه ساخته‌هایشان را ببلعد؛ یقیناً آن‌چه را ساخته‌اند فقط نیرنگ جادوگر است، و جادوگر هر جا درآید، پیروز نمی‌شود» لازم به ذکر است علاوه بر دو دسته آیات مذکور در فوق، خداوند در آیه ۱۰۲ سوره بقره ضمن بیان حکایت دو فرشته به اسامی هاروت و ماروت چنین فرموده که: «و [یهودیان منحرف به جای تبعیت از تورات از سحر یعنی] از آن‌چه شیاطین به حکومت سلیمان نسبت می‌دادند [می‌گفتند سلیمان با سحر حکومت می‌کند] پیروی کردند. در صورتی که سلیمان [دست به سحر نیالود] و کافر نشد، ولی شیاطین کافر شدند زیرا آن‌ها به مردم هم سحر مضر [می‌آموختند] و هم ابطال سحر می‌آموختند که بر دو فرشته هاروت و ماروت در بابل نازل شد در حالی که آن دو فرشته به هیچ‌کس [ابطال سحر] نمی‌آموختند مگر اینکه به او می‌گفتند: ما وسیله امتحانیم [علم سحر را فقط برای ابطال سحر ساحران به شما آموزش می‌دهیم]، پس [با به کار گرفتن سحر در امور ممنوع و حرام] کافر نشو. اما آنان [یهود منحرف] از آن دو فرشته مطالبی [از سحر] می‌آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می‌انداختند؛ در حالی که آنان با سحر جز به اذن خدا قدرت آسیب رساندن به کسی را ندارند. اما آنان [متأسفانه] چیزی را می‌آموختند که برایشان ضرر داشت و به آن‌ها سودی نمی‌رساند؛ و به یقین [این یهود منحرف] به خوبی دریافته بودند که هر کس [به جای کتاب خدا] خریدار سحر باشد، در آخرت هیچ بهره‌ای نخواهد داشت. و چه بد چیزی است آن‌چه خود را به آن فروختند اگر می‌دانستند» (به نقل از مشکینی، ۱۳۸۴: ۱۶ با اندکی تصرف).

با بررسی روایات وارده ملاحظه می‌کنیم که احادیث متعددی پیرامون سحر وارد شده که بررسی

همه‌جانبه آن‌ها از موضوع پژوهش حاضر خارج است. لذا صرفاً به ذکر روایتی که از امام صادق (ع) وارد شده بسنده می‌کنیم.

«فردی از امام صادق (علیه السلام) در مورد مسائل مختلفی سؤال کرد ... گفت: «اصل سحر از چیست؟ ساحر چگونه بر آن کارهای عجیب که می‌گویند، قدرت پیدا کرده است؟ و چه کار می‌کند؟» امام فرمود: «سحر چند نوع متفاوت است: یک نوع مانند علم طب است. همان طوری که پزشکان برای هر دردی دواهایی دارند، ساحران نیز برای هر صحت و آرامشی، بلا و فتنه‌ای و برای هر عافیت و سلامتی، بیماری و گرفتاری دارند و برای هر چیزی حيله‌ای اندیشیده‌اند. نوع دیگر آن، تیزهوشی، سرعت عمل، شعبده‌بازی و تردستی است. یک نوع هم استفاده از شیاطینی است که با آن‌ها ارتباط دارند». گفت: «شیاطین چگونه بر سحر اطلاع یافته‌اند؟» فرمود: «از همان راهی که پزشکان به علم طب اطلاع یافته‌اند؛ برخی از اطلاعات به وسیله‌ی تجربه پیدا شده و برخی علاج و دوا است». پرسید: «در باره آن دو ملک به نام هاروت و ماروت که مردم می‌گویند آن دو به اشخاص، سحر می‌آموزند چه می‌فرمایید؟» فرمود: «آن دو وسیله‌ای برای آزمایش و امتحان هستند. تسبیح آن‌ها چنین است: «هرکس امروز چنین کند، چنان خواهد شد؛ اگر به وسیله‌ی فلان چیز معالجه کند، چنان می‌شود» هر چه می‌گویند انواع سحر می‌آموزند؛ اما آن دو ملک می‌گویند: «ما برای شما آزمایش هستیم. آن چه برای شما زیان‌بخش است و سودی ندارد از ما نگیرید». گفت: «آیا ساحر می‌تواند به وسیله سحر، انسان را به صورت سگ و الاغ یا چیز دیگر درآورد؟» فرمود: «او ناتوان‌تر از این‌هاست و عاجزتر است از آن که تغییری در آفرینش خدا دهد. هرکس ترکیب صورتی که خدا قرار داده را تغییر دهد شریک او در آفرینش است و خداوند بسیار منزّه است از این که شریکی داشته باشد. اگر ساحر چنین قدرتی داشته باشد باید بتواند امراض، ناراحتی‌ها، سفیدی موی، فقر و تنگدستی را از خود برطرف نماید. بزرگترین عمل ساحر دویه‌هم‌زنی است که موجب جدایی دو دوست و علاقمند به یکدیگر می‌شود و سبب خونریزی و خانه‌خرابی و رسوایی می‌گردد. دویه‌هم‌زن بدترین فردی است که تا به حال روی زمین قدم گذاشته است. درست‌ترین سخن ساحران آن چیزهایی است که به منزله طب است. ساحر شخصی را معالجه می‌کند و [با ریاضت و ازدواج نکردن تا آخر عمر] از نزدیکی با زنان خودداری می‌نماید. اما پزشک همان مریض را بر خلاف روش ساحر معالجه می‌کند و خوب می‌شود» (بروجردی، ۲۲/۱۳۸۶: ۴۹۶).

۲-۱. مفهوم سحر و جادو در کلام فقها و مفسرین

مفسران و فقها تعاریف گوناگونی از سحر و جادو ارائه داده‌اند. از آن جمله طریحی در «مجمع البحرین» سحر شدن شخص را به پریشانی و مختل شدن عقل او تعبیر کرده است (طریحی،

۳/۱۴۱۶: ۳۲۴). علامه حلی در «تحریر» چنین آورده که: «سحر عبارتست از کلامی که با آن تکلم کرده یا مکتوبی که آن را می‌نویسند و یا افسون کردن و یا عملی که به واسطه‌اش کاری انجام داده که در بدن یا قلب و یا عقل مسحور تأثیر گذارده بدون این که ساحر خود مباشرتی داشته باشد» (حلی، ۲/۱۴۲۰: ۲۶۰). یکی از محققین اهل سنت نیز تعبیری مشابه تعبیر علامه حلی از سحر ارائه داده است (جرسی، بی تا: ۷۹).

شهید ثانی چنین بیان کرده که: «سحر عبارت است از سخن یا نوشته‌ای که به سبب آن ضرری به بدن یا عقل فرد سحر شده وارد شود از جمله بستن مرد از دسترسی بر زن خود، ایجاد کینه و دشمنی بین زن و مرد، تسخیر نمودن جن و ملائکه، به‌کارگیری اجنه برای کشف امور غیبی و درمان دیوانه و جن‌زده، داخل نمودن اجنه به جسم زن یا بچه تا این که مطالب غیبی را از زبان بچه یا زن کشف کند و مانند این‌ها» (شهید ثانی، ۳/۱۴۱۰: ۲۱۴-۲۱۵).

امام خمینی در «تحریر الوسیله» در باب چگونگی سحر و جادو چنین آورده که: «مراد از سحر و جادوگری کاری است که انجام می‌شود با نوشتن یا سخن گفتن یا دود نمودن یا کشیدن تصویر یا میدن یا گره‌زدن و مانند این‌ها که در بدن شخص سحر شده یا در قلب یا عقل او اثر می‌گذارد، پس در احضار او یا خواب کردن او یا بیهوش کردن او یا ایجاد محبت یا نفرت نسبت به او و مانند این‌ها اثر می‌کند.» (خمینی، بی تا: ۱/۴۹۸).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز سحر را این گونه تعریف کرده که: «سحر نوعی اعمال خارق‌العاده است که آثاری از خود در وجود انسان‌ها به جا می‌گذارد و گاهی یک نوع چشم‌بندی و تردستی است و گاه تنها جنبه روانی و خیالی دارد.» (مکارم شیرازی، ۱/۱۳۷۱: ۳۷۷).

۲. اقسام جادو و امکان تحقق آن در عالم واقع

با فحص در کتب فقهی و تفسیری ملاحظه می‌کنیم که فقها و مفسران برای سحر اقسامی ذکر کرده‌اند. از جمله این اقسام، سحر اصحاب اوهام و نفس قویه است. با این توضیح که فلاسفه و متکلمان بر این عقیده‌اند که حقیقت انسان همان نفس اوست و احوال جسمانی تابع احوال نفسانی است. نفوس مختلف‌اند و برخی از نفوس می‌توانند منشأ امور شگفت‌انگیز و خارق‌العاده شده و عالم به امور غیبی باشند (ماتریدی، ۴/۱۴۲۶: ۵۲۲؛ فخررازی ۳/۱۴۲۰: ۶۲۱-۶۲۲؛ نجفی، ۲۲/۱۴۰۴: ۸۲).

استعانت به ارواح زمینی از جمله اجنه و یاری جستن از آن‌ها، دومین قسم از اقسام سحر دانسته

۱. این عبارت کنایه از این است که ساحر کاری انجام دهد تا مرد نتواند با زن نزدیکی کند.

شده است (فخررازی، ۳/۱۴۲۰: ۶۲۳؛ ماتریدی، ۴/۱۴۲۶: ۵۲۳؛ نجفی، ۲۲/۱۴۰۴: ۸۲). امام خمینی (ره) در همین زمینه چنین بیان فرموده که: «به خدمت گرفتن فرشتگان و حاضر کردن جن، در اختیار گرفتن آن‌ها و احضار ارواح، در اختیار گرفتن شان و امثال این‌ها به جادوگری ملحق است» (خمینی، بی تا/۱: ۴۹۸).

یکی دیگر از اقسام سحر، تخیلات و چشم‌بندی یا همان شعبده‌بازی است (انصاری، ۱/۱۴۱۵: ۲۶۲؛ نظام الاعرج، ۱/۱۴۱۶: ۳۴۸). در آیه ۱۱۶ سوره اعراف به این نوع سحر اشاره شده است: «[موسی] گفت: شما بیندازید. هنگامی که انداختند، چشم‌های مردم را جادو کردند و آنان را سخت ترساندند و جادویی بزرگ و شگفت‌آور به میان آوردند».

استفاده از داروها مانند این که در غذای شخصی دارویی بریزند و به سبب مصرف آن در قوه تعقل او خلل ایجاد شود، یکی دیگر از اقسام سحر است (انصاری، ۱/۱۴۱۵: ۲۶۳). فخررازی در این رابطه چنین گفته که: «یاری گرفتن از خواص داروهاست مانند این که در طعام شخص برخی داروهای پلید کننده و زایل کننده عقل و دودهای مست‌کننده را وارد سازند همچون مغز خر که وقتی انسان آن را بخورد، عقلش پلید گردد (کند ذهنی) و هوشش کاسته شود و باید دانست که به انکار خواص داروها راهی نیست زیرا اثر مغناطیس به مشاهده معلوم است جز این که مردم در این باره زیاد سخن گفته‌اند و راست را به دروغ و حق را به باطل درآمیخته‌اند» (فخررازی، ۳/۱۴۲۰: ۶۲۵). یکی دیگر از اقسام سحر که فقها و مفسران از آن به عنوان تعلیق قلب یا دلربائی یاد کرده‌اند، به این معناست که ساحر ادعا کند که اسم اعظم خدا را شناخته است یا این که اجنه را تسخیر کرده به گونه‌ای که مطیع و منقاد او هستند و پیروی این ادعا، مخاطب به علت ضعف در اعتقادات، کم‌دانشی، ضعف و اختلال در قوه عاقله یا هر عامل دیگر، تحت تأثیر او قرار بگیرد و تصور کند که ادعاهای او صحیح و درست است که در این صورت ساحر می‌تواند به واسطه او آنچه را که می‌خواهد انجام دهد (نجفی، ۲۲/۱۴۰۴: ۸۴؛ فخررازی، ۳/۱۴۲۰: ۶۲۵؛ انصاری، ۱/۱۴۱۵: ۲۶۳).

اکثریت علمای اهل سنت بر این عقیده‌اند که سحر حقیقت دارد. قرطبی از مفسران برجسته اهل سنت در این زمینه چنین بیان داشته که: «ذهب اهل السنة إلى أن السحر ثابت وله حقيقة» (قرطبی، ۲/۱۳۶۴: ۴۶). ایشان برای اثبات مدعای خود به آیات و روایات متعددی استناد کرده‌اند از جمله آیه ۵ سوره فلق: «وَمِنْ سَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ: و از زیان زنان دمنده [که افسون و جادو] در گره‌ها [می‌دمنند و با این کار شیطانی در زندگی فرد، خانواده و جامعه خسارت به بار می‌آورند]» (ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۰: ۶۳۴).

با این وجود در میان اهل سنت، معتزله به استثناء تخیل و چشم‌بندی، استفاده از داروها در راستای اختلال در قوه تعقل و دوبه‌هم‌زنی و سخن‌چینی، سایر اقسام سحر را انکار کرده و کسانی را که قائل به تحقق آن‌ها در عالم خارج هستند، تکفیر نموده‌اند (مجلسی، بی تا/۵۶: ۲۹۷؛ فخررازی، ۳/۱۴۲۰: ۶۲۵). از جمله ادله‌ای که معتزله بر مدعای خود اقامه کرده‌اند این است که اگر بنا باشد سحر حقیقت داشته باشد، پس چگونه می‌توان بین سحر و معجزه تمایل قائل شد؟ (فخررازی، ۳/۱۴۲۰: ۶۲۶). این پرسش این گونه پاسخ داده شده که ساحران براساس تمرینات قبلی و با اتکاء به تجربیات خود و علوم محدود بشری دست به سحر می‌زنند و صرفاً امر خارق عادت‌ی که از پیش نسبت به آن تمرین و ممارست کرده‌اند را می‌توانند انجام دهند. این در حالی است که انبیاء علاوه بر معجزاتی که در ابتدای دعوت الهی با خود به همراه داشتند مانند قرآن، به سراغ مواردی می‌رفتند که مردم پیشنهاد می‌دادند مانند معجزه شق القمر. مضافاً این که اعجاز انبیاء توأم با ادعای نبوت از جانب آن‌ها بود، در حالی که ساحران هرگز چنین ادعایی نداشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ [الف]/۷: ۵۱۸).

در مکتب متعالی شیعه طبق روایات اهل بیت عصمت و طهارت سحر به دو دسته تقسیم شده است. اول مواردی که سحر حقیقت دارد شامل دو مورد یکی سحر طبی و دیگری سحر از طریق ارتباط‌گیری با شیطان و دوم سحر غیرواقعی مثل شعبده‌بازی و تردستی که سحر حقیقت ندارد و فقط از طریق تیزهوشی، بیننده را چشم‌بندی می‌کند. بر همین اساس فقهای شیعه بر طبق فرمایش اهل بیت (ع) مشی فرموده و سحر را به دو دسته واقعی و غیرواقعی تقسیم نموده‌اند. (طوسی، ۷/۱۳۸۷: ۲۶۰؛ طبرسی، ۲/۱۴۱۰: ۳۷۵).

۳. کیفر سحر و جادو از منظر فقه

۳-۱. دیدگاه فقهای امامیه

ارتکاب سحر و جادو از نظر فقهای شیعه در مواردی جزء جرایم حدی و مستوجب حد اعدام است و در مواردی قصاص دارد و آن زمانی است که ساحر با سحرش عمداً موجب قتل مسحور شود چه با قصد قتل چه نوعاً کشتندگی و در مواردی دیه دارد و آن در صورتی است که قتل مسحور ناشی از جنایت شبه عمد ساحر باشد که دیه ثابت می‌شود (علامه حلی، ۲/۱۴۲۰: ۴۲۴، خوبی، ۱۳۹۳: ۱۲۷). لازم به ذکر است که فاضل هندی در کشف‌اللثام برخلاف قاطبه فقها، مجازات ساحر مسلمان را از باب ارتداد دانسته است و در این زمینه به روایت سکونی^۱ از امام صادق علیه السلام

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص

اشاره کرده است (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۵۴۶). به نظر می‌رسد علت چنین دیدگاهی این باشد که مرحوم فاضل حرمت سحر را از ضروریات دین اسلام فرض کرده و کسی که مرتکب چنین عمل حرامی شود را در صورتی که مسلمان باشد مرتد دانسته است.

البته این دیدگاه بنا بر دلایل ذیل قابل مناقشه است: اولاً در روایت استنادی هیچ اشاره‌ای به اعمال مجازات بر ساحر مسلمان از باب ارتداد نشده است؛ ثانیاً این دیدگاه، شاذ بوده و تاب مقاومت در برابر قول قاطبه فقها را ندارد؛ ثالثاً در بحث ارتداد همان‌گونه که خود فاضل هندی نیز تصریح کرده چنانچه مرتکب زن باشد فارغ از دین و آیین او، کشته نمی‌شود بلکه صرفاً تا زمانی که توبه کند تحت شرایط خاص در حبس نگه داشته می‌شود (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۶۶۵). در حالی که روایات وارده مثل روایت سکونی که خود فاضل به آن استناد کرده است اطلاق دارد و شامل زن و مرد مسلمانی که مرتکب سحر شوند می‌شود.

به هر روی قاطبه فقهای امامیه سحر را جزء جرایم حدی می‌دانند و به اجماع فقها مجازات مستحل سحر و جادو اعدام و مجازات غیرمستحل سحر و جادو طبق نظر اکثریت فقها اعدام است (هاشمی شاهرودی، ۱۰/۱۳۹۱: ۴۴۸-۴۴۷). اما موضوعی که فقها در آن اختلاف عقیده دارند این است که چه زمانی حد سحر تحقق پیدا می‌کند. اقوال موجود در رابطه با شرایط سحر مستوجب اعدام را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

الف) ساحر زمانی کشته می‌شود که عمل سحر را حلال بداند. بر این اساس در صورتی که ساحر با وجود ارتکاب سحر، آن را حلال نداند، هرچند فاسق است اما کشته نمی‌شود. شیخ طوسی در این زمینه چنین بیان کرده که: «کسی که عمل کردن به سحر را حلال بداند کافر است و قتل او واجب. در این حکم هیچ اختلافی نیست، اما در صورتی که سحر را حلال نداند و بگوید سحر حرام است جز این که من استفاده می‌کنم هرچند فاسق است اما قتل او واجب نیست» (طوسی، ۵/۱۴۰۷: ۳۲۹).

این دیدگاه خالی از مناقشه نیست زیرا روایات و فتاوی‌ای که در این زمینه وارد شده اطلاق دارد و حد را شامل هر دو فرض می‌داند. صاحب جواهر در رد این قول چنین بیان داشته: «مطلب دیگری که اطلاق نصوص و فتاوا بر آن دلالت دارد این است که فرقی بین آن کس که سحر را حلال می‌داند یا حرام می‌انگارد نیست و وجهی برای سخن برخی از متأخرین که فقط کسی که سحر را حلال بداند

سَاحِرُ الْمُسْلِمِينَ يُقْتَلُ وَ سَاحِرُ الْكُفَّارِ لَا يُقْتَلُ - فَيَقِيلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَ وَ لِمَ لَا يُقْتَلُ سَاحِرُ الْكُفَّارِ - قَالَ لِأَنَّ الْكُفْرَ أَعْظَمُ مِنَ السِّحْرِ وَ لِأَنَّ السِّحْرَ وَ الشَّرْكَ مَقْرُونَانِ»

مجازات می‌گردد یافت نمی‌شود و وجهی برای این اختصاص نیست» (نجفی، ۴۱/۱۴۰۴: ۴۴۳).
 ب) ساحر زمانی کشته می‌شود که عمل سحر را به عنوان شغل و حرفه خود قرار دهد. بنا بر این قول صرف این که یک نفر یک یا دو مرتبه مرتکب سحر شود، مجوزی برای قتل او نیست. محقق خوئی (ره) این قول را بدون اشاره به این که صاحب این قول کدام فقیه است، ذکر نموده است (خوئی، ۱/۱۴۲۲: ۳۲۳). در ماده ۲۲۵-۱۲ لایحه قانون مجازات اسلامی، تدوین‌کنندگان لایحه براساس همین قول سحر و جادو را به عنوان یک جرم حدی جرم‌انگاری کرده بودند. به موجب این ماده این‌گونه مقرر شده بود که: «مسلمانی که با سحر و جادو سر و کار داشته و آن را به عنوان حرفه یا فرقه‌ای ترویج نماید، محکوم به قتل است». این دیدگاه نیز خالی از مناقشه نیست زیرا:

اولاً این قول با روایات معتبری که در این زمینه وارد شده سازگاری ندارد. روایات، مطلق عمل به سحر را مستوجب مجازات دانسته و تحقق حد را متوقف بر این که ساحر، سحر و جادو را شغل و حرفه خود قرار داده باشد نکرده است. محقق خوئی (ره) در رد این قول چنین بیان داشته که: «این قول به واسطه ذیل روایت معتبر سکونی دفع می‌شود و آن قول امام علیه السلام که فرمودند (همانا جادوگری و شرک قرین یکدیگرند) پس این دلالت می‌کند بر این که عمل به سحر در وجوب قتل مانند شرک است چه آن را به عنوان حرفه و شغل برگزیند یا خیر» (خوئی، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

ثانیاً آن چیزی که از روایات به ذهن متبادر می‌شود این است که فرد مسلمانی که مرتکب سحر می‌شود تحت شرایطی اعدام می‌شود زیرا عمل ساحر مانند سارق است. یعنی همان‌گونه که با حصول همه شرایط دست سارق قطع می‌شود و ثبوت حد در این زمینه متوقف بر این نیست که سارق، سرقت را به عنوان شغل و حرفه برگزیده باشد، تحقق حد سحر نیز متوقف بر ارتکاب سحر به صورت حرفه‌ای و به عنوان شغل نیست (گلپایگانی، ۲/۱۴۱۲: ۲۷۸). البته بدیهی است که اگر ساحری شغلش سحر باشد، مجازاتش اعدام است.

ج) ساحر زمانی کشته می‌شود که مسلمان باشد. مطابق این دیدگاه در صورتی که مسلمانی مرتکب سحر شود فارغ از این که عمل به سحر را حلال بداند یا حرام و سحر و جادو را به عنوان حرفه و شغل انتخاب کرده باشد یا خیر، حد او قتل است (نجفی، ۴۱/۱۴۰۴: ۴۴۲، شهید ثانی، ۹/۱۴۱۰: ۱۹۵؛ حلی، ۴/۱۴۰۸: ۱۵۴) مشروط بر این که توبه نکند (خوئی، ۱۳۹۳: ۱۲۸) و در صورتی که مرتکب غیرمسلمان باشد تعزیر می‌شود (حائری، ۱۶/۱۴۱۸: ۵۸). این قول را که مبتنی بر روایتی از پیامبر اسلام (ص) است،^۱ می‌توان قول اجماعی و مشهور بین فقها دانست. از فقهای

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) سَاحِرُ الْمُسْلِمِينَ يَقْتُلُ وَ سَاحِرُ الْكُفَّارِ لَا يَقْتُلُ» (امام صادق (ع))

که این قول را برگزیده‌اند می‌توان به ابن ادریس حلی (السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳/۱۴۱۰: ۵۳۳)، علامه حلی (إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، ۲/۱۴۱۰: ۱۷۹) و قاضی ابن براج (المهذب، ۲/۱۴۰۶: ۵۵۲) اشاره کرد.

با توجه به مطالعه و تحلیل کتب مختلف فقهای شیعه می‌توان چنین گفت که ساحر در صورتی مستحق اعدام است که هفت شرط را دارا باشد: ۱- شخص ساحر باشد؛ ۲- ساحر مسلمان باشد؛ ۳- عمل سحر باشد؛ ۴- عمل سحر حرام باشد؛ نه سحر دفاعی؛ ۵- سحر محقق کفر باشد؛ ۶- قصد جدی یا عملی ساحر انکار اسلام باشد؛ ۷- عالماً و عامداً ساحری کند. در صورت فقدان یکی از این شروط ساحر اعدام نمی‌شود.

۳-۲. دیدگاه فقهای اهل سنت

فقهای شیعه و سنی هر دو در این که ساحر مجازاتش اعدام است، اتفاق نظر دارند. در قبول توبه ساحر هم اکثریت فقهای شیعه و سنی توبه ساحر را نپذیرفته‌اند اما بعضی از ایشان قائل به قبول توبه ساحر شده‌اند. از آن جمله در میان فقهای شیعه شهید دستغیب در کتاب «گناهان کبیره» قائل به این است که اگر ساحر توبه کند، پذیرفته است. (دستغیب، ۲/۱۳۷۶: ۸۱) امامیه توبه ساحر را باطل کردن سحرهای قبلی و دست کشیدن از سحر می‌داند (شیخ انصاری، ۱/۱۴۱۵: ۲۶۹).

فقهای عامه در این زمینه اختلاف دیدگاه دارند. احمد بن حنبل در یک موضع بر این عقیده رفته که توبه ساحر پذیرفته نمی‌شود و وی کشته می‌شود (خالد رباط، ۱۲/۱۴۳۰: ۳۳۹) و در جایی دیگر بیان داشته که پیشگو، کاهن و ساحر کشته نمی‌شوند، بلکه زندانی می‌شوند به این امید که توبه کنند و بازگردند (ابن قدامه مقدسی، ۱۰/۱۴۰۵: ۱۱۴).^۲

شافعی و ابن منذر این دیدگاه را برگزیده‌اند که ساحر در صورتی که به واسطه ارتکاب سحر به مرحله کفر رسیده باشد توبه داده می‌شود و در صورت عدم توبه کشته می‌شود و همین‌طور در صورتی که کسی را کشته باشد که در این صورت از باب قصاص کشته می‌شود، در غیر این دو صورت ساحر صرفاً تعزیر می‌شود (معتق، ۱۴۲۲: ۱۷۶). دیدگاه دیگری که در این خصوص از شافعی نقل شده این است که چنانچه سحر به واسطه بینه یا اقرار به اثبات رسیده باشد، ساحر کشته می‌شود و توبه

فرمودند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند ساحر مسلمان کشته می‌شود و ساحر اهل کفر کشته نمی‌شود» (کلینی، ۷/۱۴۰۷: ۲۶۰).

۱. «قال إسحاق بن منصور قُلْتُ لأحمد: الساحرُ والساحرةُ؟ قال: يقتلان، فلا يستأب: إسحاق بن منصور گفت به احمد بن حنبل گفتم حکم مرد ساحر و زن ساحره چیست؟ گفت هر دو کشته می‌شوند و توبه داده نمی‌شوند».

۲. «العرف والساحر والكاهن اری ان يستأب من هذه الافاعیل قیل له : یقتل؟ قال : یحبس لعله یرجع».

داده نمی‌شود. این دیدگاه، دیدگاه جمهور علمای اهل سنت نیز می‌باشد (معتق، ۱۴۲۲: ۱۷۱). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در خصوص میزان مجازات ساحر و این که توبه ساحر مسقط مجازات است یا خیر، دیدگاه واحدی بین علمای اهل سنت وجود ندارد.

۴. مجازات سحر و جادو از منظر قوانین کیفری

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در بند ۱۸ از ماده سوم آئین‌نامه امور خلافی مصوب ۱۳۲۴/۰۵/۲۲ سحر و جادو به عنوان یکی از مصادیق خلاف شناسایی و از آن جرم‌انگاری شده بود. ماده فوق چنین مقرر می‌داشت: «اشخاص زیر به ۷ روز تا ده روز حبس تکدیری و از ۱۰۰ تا ۲۰۰ ریال غرامت محکوم می‌گردند: ۱۸- کسانی که رمالی - جفر - تعبیر خواب - کف‌بینی - افسون‌گری - جادوگری - جن‌گیری - فال‌گیری - پیش‌گویی - چله‌نشینی - بخت‌گشائی و امثال آن‌ها را وسیله معرکه یا دوره‌گردی قرارداد یا بازکردن دکان یا خانه، اعمال مزبور را پیشه و وسیله کسب و استفاده خود قرار دهند».

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به ضرورت تطبیق قوانین با شرع مقدس^۱ و به تبعیت از منابع شرعی، یک دگرگونی اساسی در طبقه‌بندی جرایم رخ داد و جرایم مستوجب حد، قصاص، دیه و تعزیر تقسیم‌بندی شدند^۲. متعاقب این تقسیم‌بندی جدید، این پرسش مطرح می‌شود که قانون‌گذار ایران سحر و جادو را جزء کدام دسته از این جرایم چهارگانه قرار داده است که در ادامه به بررسی پاسخ این پرسش می‌پردازیم.

۴-۱. مجازات سحر و جادو به عنوان یک جرم حدی

از جمله جرایمی که در مقررات کیفری ایران صراحتاً به عنوان یک جرم حدی پیش‌بینی نشده، سحر و جادو است. این در حالی است که همان‌طور که ذکر آن رفت، سحر و جادو در مواردی از زمره جرایم مستوجب حد اعدام است و فقهای شیعه در این موضوع اختلاف عقیده‌ای ندارند. نخستین بار قانون‌گذار در لایحه قانون مجازات اسلامی به شماره ۳۸۶۴۸/۱۵۲۴۳۳ مورخ ۱۳۸۶/۰۹/۲۰ به تبعیت از شرع مقدس به صراحت از سحر و جادو به عنوان یک جرم حدی جرم‌انگاری نمود. به موجب ماده ۱۲-۲۲۵ این لایحه چنین مقرر شده بود که: «مسلمانی که با

۱. اصل ۷۲ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است».

۲. ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است: الف- حد، ب- قصاص، پ- دیه، ت- تعزیر».

سحر و جادو سر و کار داشته و آن را به عنوان حرفه یا فرقه‌ای ترویج نماید، محکوم به قتل است» با این وجود در اولین مصوبه‌ای که مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۲۷/۵۰۷۸۷ در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۰۹ به شورای نگهبان ارسال کرد، این ماده حذف شده بود.

به این ترتیب، قضات برای تعیین میزان مجازات ساحر به عنوان یکی از حدود شرعی، بسان سایر حدودی که در قانون ذکری از آنها نشده، باید براساس ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ عمل نمایند (منتظری و فروزنده، ۱۴۰۲: ۲۰۶). به موجب این ماده: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود». در اصل ۱۶۷ قانون اساسی چنین آمده است که: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد». بر این اساس در مقررات کیفری کنونی ایران، سحر و جادو صراحتاً به عنوان یک جرم حدی که مجازات مشخصی داشته باشد، پیش‌بینی نشده و قضات مکلفند در مواجهه با جرم سحر و جادو، با مراجعه به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم صادر نمایند.

فقدان قانون در امر سحر سبب تشتت آرای قضائی شده لذا اولاً با توجه به این که اصل مجازات حدی و قتل ساحر مسلمان به دلیل روایی ثابت است، بهتر بود قانون‌گذار به صراحت در قانون مجازات اسلامی و ذیل کتاب حدود این جرم را پیش‌بینی می‌نمود تا به اختلاف نظرهای موجود پایان داده شود. ثانیاً مراجعه به اصل ۱۶۷ نیز منجر به عدم انضباط قضائی و تشتت آراء می‌گردد.^۱ لذا

۱. در رابطه با این تشتت آراء، صورت‌جلسه‌ی نشست قضایی با موضوع وصف کیفری جادوگری در شهرستان تهران به تاریخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۳ عیناً از سامانه‌ی نشست‌های قضایی نقل می‌گردد:

«پرسش: آیا جادوگری جرم است؟ طبق چه ماده‌ای؟»

نظر هیأت عالی: چنانچه رفتار موضوع سؤال (جادوگری) از مصادیق بزه کلاهبرداری باشد؛ یعنی با انجام مانور متقلبانه که موجب اغفال طرف و تحصیل مال او شود، انجام پذیرد، در این صورت به مجازات کلاهبرداری محکوم می‌شود و مادام که رفتار مذکور در قانون (به نحوی از انحاء نظیر کلاشی و رمالی و...) جرم شناخته نشده باشد، قابل مجازات نخواهد بود؛ بنابراین، نظریه‌ی اقلیت قضات محترم دادگستری تهران، در حدود فوق‌الذکر مورد تأیید است. نظر اکثریت: بر اساس ماده‌ی ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود.» جادوگری نیز در شرع حد محسوب و دارای مجازات قتل است.

مناسب است مقنن یک متن قانونی شامل چندین ماده قانونی درباره سحر و جادو تدوین نماید تا از موضوع رفع ابهام شود که به نظر می‌رسد تا قانونی وضع نشده بهترین راه برای رفع این مشکل، آن است که در موارد مراجعه به اصل ۱۶۷، فتوای رهبری و در صورت فقدان فتوای رهبری، فتوای فقیه مآذون از جانب ایشان مبنای صدور رأی قرار گیرد.

۲-۴. مجازات سحر و جادو به عنوان یک جرم تعزیری

در رابطه با مجازات سحر و جادو به عنوان یک جرم تعزیری باید بین دو حالت قائل به تفکیک شد. حالت اول زمانی است که شخصی به دروغ و با ادعای توانایی سحر و جادو، دیگران را فریب داده و مالی از ایشان بگیرد و حالت دوم زمانی که شخصی در واقع مرتکب سحر و جادو شود. در حالت اول یعنی زمانی که شخصی با ادعای دروغ توانایی انجام سحر و جادو و با توسل به اعمال و وسایل متقلبانه، دیگری را بفریبد و مالی را از وی ببرد، عمل وی کلاهبرداری محسوب شده و مشمول ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ می‌گردد.

نظر اقلیت: همه‌ی فقها جادوگری را مستوجب حد نمی‌دانند. حدود اختلافي مشمول ماده‌ی ۲۲۰ نمی‌گردد و تنها مواردی چون ارتداد را شامل می‌شود. بر اساس بند ۱۸ ماده‌ی ۳ آیین‌نامه‌ی امور خلافی مصوب ۱۳۵۴: «ماده‌ی سوم: اشخاص زیر به ۷ روز تا ۱۰ روز حبس تعزیری و از ۱۰۰ تا ۲۰۰ ریال غرامت محکوم می‌گردند: «... ۱۸- کسانی که رمالی، جَفَر [علمی که به کمک آن امور پنهانی و آینده را بازگویند]، تعبیر خواب، کف‌بینی، افسونگری، جادوگری، جن‌گیری، فالگیری، پیشگویی، چله‌نشینی، بخت‌گشایی و امثال آن‌ها را وسیله‌ی معرکه یا دوره‌گردی قرار داده یا باز کردن دکان یا خانه اعمال مزبور را پیشه و وسیله‌ی کسب و استفاده‌ی خود قرار دهند.» در صورتی که معتقد به پابرجا بودن این ماده باشیم، بر اساس این ماده می‌توان عمل مرتکب را جرم و قابل مجازات دانست.»

در رابطه با اختلاف نظر موجود بین نظر اقلیت و اکثریت به نظر می‌توان دیدگاه اکثریت را ارجح دانست؛ زیرا اولاً قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ به تصویب رسیده است و قانون سال ۱۳۵۴ را نسخ می‌کند؛ ثانیاً اگر قائل به عدم نسخ باشیم، در فرض تعارض میان قانون اساسی و قانون عادی، قانون اساسی مقدم است. البته در رابطه با مراجعه به اصل ۱۶۷ برای منضبط کردن این اصل و عدم تشمت آرای قضایی، باید به فتوای رهبری و در صورت فقدان فتوای رهبری، به فتوای فقیه مآذون از جانب ایشان مراجعه کرد. کما این که ماده ۱۲ مکرر لایحه‌ی قانون مجازات اسلامی نیز به این موضوع اشاره داشت که البته در نهایت به تصویب نرسید.

۱. ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷: «هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاسا حساب و امثال آن‌ها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود.»

به عنوان نمونه می‌توان به فریب دادن دیگری نسبت به برقراری ارتباط وی با ارواح و اخذ پول از او یا استفاده مالی کردن از دیگری تحت عنوان رمل اندازی با ادعای واهی توانایی یافتن اموال مسروقه وی اشاره کرد (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۱: ۷۹ و ۸۰).

اما در رابطه با حالت دوم یعنی زمانی که شخصی در واقع مرتکب سحر و جادو شود، عده‌ای قائل به اعمال ماده ۵۰۰ مکرر بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی که به موجب قانون «الحاق دو ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)» مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ به بخش تعزیرات اضافه شده است بودند. در ماده ۵۰۰ مکرر چنین آمده است: «هرکس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنان‌چه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد. مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق ماده‌ی (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ تعیین می‌شود:

۱- هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرایمی از قبیل اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان‌گردان، خودآزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد».

بعضی تحلیل‌گران قائل به این بودند که استفاده قانون‌گذار از تعبیری از قبیل «شیوه‌های کنترل ذهن»، «القائات روانی» و «تسلط روانی یا جسمی بر دیگری» با آن چیزی که فقها و مفسران در باب سحر و جادو به کار برده‌اند، تطبیق دارد. این در حالی است که این دیدگاه کاملاً اشتباه بوده و ماده ۵۰۰ مکرر اساساً ارتباطی به سحر و جادو ندارد و عبارات «کنترل ذهنی» و «القائات روانی» فقط مواردی را که سبب می‌شود از شخصی سوءاستفاده شده یا با تشویق مرتکب جرمی شود، دربرمی‌گیرد و از شمول بحث سحر و جادو خارج است. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه مشورتی شماره ۶۸۸/۱۴۰۱/۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۵ همین دیدگاه را پذیرفته است. در این نظریه اداره حقوقی در پاسخ به این پرسش که: «با توجه به بند ۲ ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) آیا افرادی که به رمالی یا اصطلاحاً دعانویس شهرت دارند و یاز ماورای عالم ماده به آن‌ها وحی می‌شود بدون آن که فعالیت تبلیغی یا آموزشی داشته باشند، شامل این ماده می‌شوند یا این که باید نسبت به اعمال خود فعالیت آموزشی و تبلیغی داشته باشند تا مشمول مقرر قانونی قرار گیرند؟» چنین پاسخ داده است: «با توجه به رکن مادی بزه موضوع بند ۲ ماده ۵۰۰ مکرر رفتار

فردی که به دعانویسی اشتغال دارد یا ادعای ارتباط با اجنه یا غیب‌گویی دارد، از شمول مقررات این بند خارج است.» همچنین در این باره یک نشست قضایی نیز انجام گرفته که همین دیدگاه را تأیید نموده است.

بر این اساس در مواردی که ساحر مسلمان فاقد یکی از شرایط هفت‌گانه که تحقق مجموع‌شان شرط اعدام بود باشد، ساحر مسلمان تعزیر می‌گردد. (البته اگر عمل ساحر فاقد شرایط هفت‌گانه اعدام بود اما بر عمل سحرش عنصر حقوقی جرم محاربه یا بغی یا افساد فی الارض بود، به مجازات جرم مزبور محکوم می‌گردد.) ملاک تعزیر هم با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، فتوای رهبری و در صورت فقدان فتوای رهبری، فتوای فقیه مآذون از جانب ایشان خواهد بود. لازم به ذکر است در حال حاضر مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی قوه قضائیه از طریق نرم افزار گنجینه استفتانات قضائی از مراجع، پاسخ سؤالات قضات را از مجموعه مراجع اخذ و نظر اکثریت را اعلام می‌کند که می‌تواند در این موضوع مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه

یکی از حدود شرعی سحر و جادوگری است که به صراحت در متن قانون مجازات اسلامی نیامده اما به روشنی در ماده ۲۲۰ قانون گفته شده که در مورد حدود ذکر نشده در قانون طبق اصل ۱۶۷ به فقه مراجعه شود که در متون فقهی اسلام تحت عنوان «حد السحر» موضوع بحث فقهای اعلام از دیرباز تاکنون بوده است. فقهای شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که در دو مورد مجازات ساحر اعدام است: یکی این که بر عمل ساحر کفر صدق کند و دوم این که ساحر مستحل سحر باشد. راجع به این که چه شرایطی باید وجود داشته باشد تا حد سحر تحقق پیدا کند، با مطالعه در کتب گوناگون فقهای شیعه روشن می‌شود ساحر در صورتی مستحق اعدام است که مجموع هفت شرط را دارا باشد: ۱- شخص ساحر باشد؛ ۲- ساحر مسلمان باشد؛ ۳- عمل سحر باشد؛ ۴- عمل سحر حرام باشد؛ ۵- سحر دفاعی؛ ۶- قصد جدی یا عملی ساحر انکار اسلام باشد؛ ۷- عالماً و عامداً ساحری کند. در صورت فقدان یکی از این شروط ساحر اعدام نمی‌شود.

در مقررات کیفری کنونی ایران، سحر و جادو صراحتاً به عنوان یک جرم حدی که مجازات مشخصی داشته باشد، پیش‌بینی نشده و قضات برای تعیین میزان مجازات ساحر به عنوان یکی از حدود شرعی، بسان سایر حدودی که در قانون ذکر شده، باید براساس ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نمایند. بهترین راه برای رفع این مشکل، آن است که در موارد مراجعه به اصل ۱۶۷، فتوای رهبری و در صورت فقدان فتوای رهبری، فتوای فقیه مآذون از جانب ایشان مبنای صدور رأی قرار گیرد. البته

مناسب است مقنن در اسرع وقت یک متن قانونی شامل چندین ماده قانونی درباره سحر و جادو تدوین نماید تا از موضوع رفع ابهام شود و از فقدان قانون روشن‌رهایابی یابد.

اما در رابطه با مجازات سحر و جادو به عنوان یک جرم تعزیری در قوانین کیفری کنونی ایران باید بین دو حالت قائل به تفکیک شد. حالت اول زمانی است که شخصی به دروغ و با ادعای توانایی سحر و جادو، دیگران را فریب داده و مالی از ایشان بگیرد. در این حالت عمل وی کلاهبرداری محسوب شده و مشمول ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ می‌گردد. حالت دوم مربوط به مواردی است که شخصی در واقع مرتکب سحر و جادو شود. در این حالت برخلاف نظر عده‌ای که قائل به این هستند که تعبیری از قبیل «شیوه‌های کنترل ذهن»، «القائات روانی» و «تسلط روانی یا جسمی بر دیگری» که در ماده ۵۰۰ مکرر بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی به کار رفته با آن چیزی که فقها و مفسران در باب سحر و جادو به کاربرده‌اند، تطبیق دارد، اما نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ماده ۵۰۰ مکرر اساساً ارتباطی با بحث سحر و جادو ندارد.

خلاصه تحقیق این است که الف) اگر ساحر کافر باشد مجازاتش تعزیر است مگر عملش محقق جرم حدی مستوجب اعدام باشد که در این صورت اعدام می‌شود؛ ب) اگر ساحر مسلمان بود در صورتی که واجد شرایط هفت‌گانه حد ساحری بود (هرچند عمل به سحر را حرام نداند و یا سحر و جادو را به عنوان حرفه و شغل انتخاب نکرده باشد) اعدام می‌شود چون فقهای شیعه اتفاق نظر دارند در صورت تحقق این شرایط هفت‌گانه حد ساحر اعدام است. البته اگر عمل ساحر فاقد شرایط هفت‌گانه اعدام بود اما عمل سحرش واجد عناصر حقوقی جرم محاربه یا بغی یا افساد فی الارض بود به مجازات جرم مزبور محکوم می‌شود. همچنین در موردی که ساحر مجازاتش اعدام نبود اما از طریق سحر ارتكابی، مرتکب قتل عمد شده بود، قصاص می‌شود. در مواردی نیز عمل ساحر دیه دارد و آن در صورتی است که قتل مسحور ناشی از جنایت شبه‌عمد ساحر باشد که دیه ثابت می‌شود. اما اگر ساحر مسلمان فاقد یکی از شرایط تحقق حد اعدام بود و عنوان حقوقی سایر جرایم حدی نیز بر او صدق نداشت، تعزیر می‌گردد و ملاک تعزیر هم مواد گوناگون مرتبط است و اگر قاضی ماده مرتبطی پیدا نکرد، به دستور ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ بهترین راه این است که به فتوای رهبری و در صورت فقدان فتوای رهبری، فتوای فقیه مآذون از جانب ایشان رجوع کرد تا زمانی که قانونی در این رابطه وضع گردد.

منابع

فارسی

- آزادگان، جمشید. (۱۳۸۷). جادو و جادوشناسی (بخش دوم). آفتاب اسرار، سال دوم، شماره ۵، صص ۶-۱۱.
- بروجردی، آقا حسین. (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعة (للبروجردی). مترجمان: احمد اسماعیل تبار، احمد رضا حسینی و محمد حسین مهوری، ج ۲۲، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- جفری، آرتور. (۱۳۸۵). واژه‌های دخیل در قرآن مجید. محقق فریدون بدره ای، ج ۲، تهران: توس.
- دستغیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۶). گناهان کبیره، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- رمضان نرگسی، رضا. (۱۳۷۹). سحر و جادو از دیدگاه علم و دین. مجله معرفت، شماره ۳۴، صص ۶۵-۷۱.
- سیاهپور، محمدرضا؛ بهمن‌پوری، عبدالله و صالحی، کریم. (۱۴۰۳). آثار، نتایج و ایرادات درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۶، صص ۲۱-۴۴.
- صفایی، لیلی و اشرف، صدیقه. (۱۳۹۰). سحر و جادو و راه‌های ابطال آن از دیدگاه فقه امامیه. مجله فقه و تاریخ تمدن، سال هشتم، شماره ۳، صص ۳۹-۶۸.
- کاهدی، شهربانو؛ احمدی، سید محمد مهدی و عابدیان کلخوران، سید حسن. (۱۳۹۶). سحر و شعبده در فقه با تأکید بر مصادیق نوظهور. مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۴۸، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- مشکینی، علی. (۱۳۸۴). ترجمه قرآن کریم. ج ۲، قم: مرکز چاپ و نشر قرآن کریم الهادی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶ الف). پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام). تهیه و تنظیم جمعی از فضلاء، ج ۷، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶ ب). پیام قرآن، ج ۱۰، ج ۹، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، ج ۱، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- منتظری، صالح و پیام فروزنده. (۱۴۰۲). مجازات تکرار ارتداد در فقه، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۱، صص ۲۰۳-۲۲۴.
- میر محمد صادقی، حسین. (۱۴۰۱). جرایم علیه اموال و مالکیت، ج ۲، تهران: نشر میزان.

عربی

- ابن ادریس حللی، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. ج ۳، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن براج، قاضی عبدالعزیز. (۱۴۰۶ ق). المهذب (لابن البراج). ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن قدامة المقدسی، أبو محمد عبد الله بن أحمد. (۱۴۰۵ ق). المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی. ج ۱۰، بیروت: دارالفکر.
- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر. (۱۴۱۰ ق). تفسیر القرآن الکریم المعروف بالتفسیر القیم. محقق مکتب الدراسات والبحوث العربیه و الاسلامیه، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- جریسی، خالد بن عبد الرحمن بن علی. (بی تا). الحذر من السحر دراسة علمية لحقیقة السحر و واقع أهله من

- منظور الكتاب والسنة مع بيان المشروع في الوقاية والعلاج. رياض: مؤسسة الجريسي للتوزيع والإعلان.
- خالد الرباط، سيد عزت عيد. (١٤٣٠ق). الجامع لعلوم الإمام أحمد. ج ١٢، الفيوم: دار الفلاح للبحث العلمي وتحقيق التراث.
 - خميني، سيد روح الله موسى. (بي تا). تحرير الوسيلة. ج ١، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
 - خويي، سيدابوالقاسم. (١٣٩٣). مباني تكملة المنهاج. ج ٤، تهران: انتشارات خرسندی.
 - شهيد ثاني، زين الدين بن علي عاملي. (١٤١٠ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشّي - كلاتر). ج ٣، قم: كتابفروشي داوری.
 - شيخ انصاری. (١٤١٥ق). كتاب المكاسب (للشيخ الأنصاري، ط - الحديثة). ج ١، قم: كنگره جهانی بزرگداشت شيخ اعظم انصاری
 - شيخ طوسی. (١٤٠٧ق). الخلاف. ج ٥، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
 - شيخ طوسی. (١٣٨٧ق). المبسوط في فقه الإمامية. ج ٧، ج ٣، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
 - صاحب جواهر. (١٤٠٤ق). جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام. ج ٢٢ و ٤١، ج ٧، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
 - صاحب رياض. (١٤١٨ق). رياض المسائل (ط - الحديثة). ج ١٦، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
 - طبرسي، امين الإسلام فضل بن حسن. (١٤١٠ق). المؤلف من المختلف بين أئمة السلف، ج ٢، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
 - طريحي، فخر الدين. (١٤١٦ق). مجمع البحرين، ج ٣، ج ٣، تهران: كتابفروشي مرتضوي.
 - علامه حلّي. (١٤١٠ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. ج ٢، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم
 - علامه حلّي. (١٤٢٠ق). تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديثة). ج ٢، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
 - علامه مجلسي. (بي تا). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، محقق محمدباقر محمودي، ج ٥٦، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
 - فاضل لنكراني، محمد. (١٣٧٦). جامع المسائل، ج ١، قم: نشر مطبوعات امير.
 - فاضل مقداد. (بي تا)، كنز العرفان في فقه القرآن، ترجمه عبد الرحيم عقيقي بخشايشي، ج ٢، قم: پاساژ قدس.
 - فاضل هندی، محمد بن حسن. (١٤١٦ق). كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام. ج ١٠، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
 - فخر رازی، محمد بن عمر. (١٤٢٠ق). التفسير الكبير (مفاتيح الغيب). ج ٣، ج ٣، بيروت: دار إحياء التراث العربي
 - قرطبي، محمد بن احمد. (١٣٦٤). الجامع لأحكام القرآن. ج ٢، تهران: ناصر خسرو.
 - كليني، ابو جعفر محمد بن يعقوب (١٤٠٧هـ.ق)، الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٧، ج ٤، تهران: دارالكتب الإسلامية
 - ماتريدي، محمد بن محمد. (١٤٢٦ق). تأويلات أهل السنة (تفسير الماتريدي). ج ٤، بيروت: دار الكتب

- العلمية، منشورات محمد علی بیضون.
- محقق حلی. (۱۴۰۸ق). شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. ج ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 - معتق، عواد بن عبد الله. (۱۴۲۲ق). حقيقة السحر و حکمه فی الكتاب و السنة، ج ۳۴، المدينة المنورة: الجامعة الإسلامية
 - نظام الاعرج، حسن بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون.
 - هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۱). موسوعه الفقه الاسلامی مقارن، ج ۱۰، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.

